



آمارها، سرعت گردش پول در جامعه از ۷۰ به ۳۹ درصد کاهش یافته است. از سوی دیگر، بانک مرکزی تلاش و برنامه‌ریزی در جهت کنترل ترانزنامه بانک‌ها داشته است. اقدامات صورت گرفته در این زمینه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ماه‌های اخیر، اقدامات بانک مرکزی در حوزه مدیریت انتظارات تورمی، مناسب و خوب بوده است. یکی از این اقدامات، در حوزه کنترل ترانزنامه بانک‌ها بوده است. تعبیری که بنده از بانک‌ها دارم بر این موضوع تأکید دارد که بانک‌ها همانند پمپ انتشار نقدینگی هستند و همچنین بسیاری از سرعت گردش پول به وسیله بانک‌ها صورت می‌گیرد. در صورتی که بانک‌ها خارج از چهارچوب مقرراتی بانک مرکزی عمل کنند، این سرعت گردش پول را افزایش می‌دهد، سرعتی که سازنده نیست و منجر به افزایش تورم و نااطمینانی در جامعه می‌شود و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، نباید از دستاوردهای چک صیادی



اگر هر دستگاهی

مستقل و بدون توجه به مطالبات و شرایط سایر دستگاه‌ها عمل کند، باعث می‌شود که اثر تحریم‌ها، چندین بار تشدید و شرایط اقتصادی سخت‌تر شود



● بانک مرکزی با وجود فشار بسیار زیاد بر شبکه بانکی در راستای تخصیص منابع به مشتریان، به خوبی توانسته رشد نقدینگی را در شبکه بانکی کنترل کند

● بی‌ثباتی در نرخ ارز، باعث می‌شود تا بازارهای مختلف و این تلاطم در بازارها، عاملی در رشد فزاینده انتظارات تورمی باشد

گذشت، چرا که معتمد اجرای سازگار چک صیادی در شبکه بانکی کشور، در راستای مدیریت انتظارات تورمی اثرگذار بوده است. در حقیقت برخی از اشخاص حقیقی و حقوقی در گذشته، بی‌محابا چک صادر می‌کردند و این چک‌های بدون پشتوانه یا بی‌محل، با وجود اینکه نقدینگی لازم را نداشتند، اما عملاً باعث تقاضای بیش از اندازه و رشد سرعت گردش پول می‌شدند. اما با اجرای چک صیادی توسط بانک مرکزی در نظام بانکی کشور، صادرکننده و دریافت‌کننده چک موظف هستند که چک را در سامانه ثبت کنند و این امر سبب شده تا انتقال و جابه‌جایی چک هم کمتر شود و طبیعتاً در مدیریت انتظارات تورمی تأثیرگذار بوده است و به نظرم سیاست‌گذار می‌تواند این موضوع را به عنوان یک کار تحقیقی بررسی و نتایج آن را اعلام کند.

● چقدر سیاست‌های اخیر ارزی بانک مرکزی و ثبات نسبی بازار ارز را در دستیابی به کنترل تورم و همچنین فروکش کردن انتظارات تورمی مؤثر می‌دانید؟

بانک مرکزی در ماه‌های اخیر در یک اقدام مثبت، جلساتی را با صرافان سراسر کشور داشته و سیاست‌های ارزی را برای صرافان روشن و تبیین کرده است. همچون بانک‌ها که از آنها خواسته شده تا در چهارچوب قوانین بانک مرکزی عمل کنند، از صرافان نیز که در بازار ارز حضور دارند، خواسته شده تا در چهارچوب قانون عمل و حرکت کنند و از ایجاد حباب و هیجان در بازار جلوگیری کنند، بنابراین معتمد این رویکرد مؤثر و مثبت بوده است. از سوی دیگر، بانک مرکزی در وصول و آزادسازی منابع ارزی بلوکه شده، فعال بوده و با دیپلماسی اقتصادی فعال از کره جنوبی و لوکزامبورگ و سایر کشورهای که ارزهای بلوکه شده وجود دارد، مطالبات و منابع ارزی را وصول کرده است. طبیعتاً این مسأله سبب می‌شود تا عرضه ارز در بازار بیشتر شود و از منظر روانی نیز در بازار اثر مثبت داشته است. در مجموع عملکرد بانک مرکزی در طول یک‌سال اخیر، هم در حوزه پولی و هم حوزه ارزی، قابل قبول بوده است.

● سایر بخش‌های اقتصادی کشور و وزارتخانه‌ها در زمینه‌هایی همچون واردات و صادرات و ثبت سفارش‌ها، چقدر در موفقیت و یا

این شاخص‌ها، نسبت پول به کل نقدینگی است که در سال جاری، روند نزولی را به ثبت رسانده است. به بیان دیگر، این روند کاهش بی‌انگیز تقویت اعتماد سپرده‌گذاران به سپرده‌های بلندمدت در شبکه بانکی است که این ناشی از مدیریت انتظارات تورمی است. شاخص دیگر، سرعت فزاینده پولی است. همان‌طور که اشاره شد، این شاخص روند نزولی بسیار زیادی داشته و اگر رشد شاخص‌های پایه پولی بررسی شود، مشخص است که پایه پولی نسبت به سایرین قبل، رشد بیشتری داشته است؛ اما اینکه رشد نقدینگی نسبت به دوره‌های قبل، روند کاهنده‌ای دارد به واسطه کاهش شاخص ضریب فزاینده است که این شاخص نیز یکی از نشانه‌ها و شاخص‌های مدیریت مناسب انتظارات تورمی در اقتصاد است.

● به نظرمی‌رسد میزان حس نااطمینانی جامعه نسبت به لزوم تبدیل دارایی‌های خود به دارایی امن کاهش یافته و این در اوقات سرعت گردش پول مشخص است. در این باره چه تحلیلی دارید؟

یکی از عواملی که توانسته به بانک مرکزی در جهت دستیابی به اهداف تورمی کمک کند، عدم تلاطم در بازارهای دارایی‌های موازی و مختلف بوده است. قاعدتاً این روند ناشی از چند عامل است. یکی اینکه بانک مرکزی به واسطه سیاست تثبیت توانسته نرخ ارز را در محدوده مشخصی کنترل کند؛ رویکردی که باعث شده بازارهای مختلف و موازی، جهش‌ها و تلاطم‌های خاصی نداشته باشند، در نتیجه نمایل سپرده‌گذاران به جای حضور در بازارهای مختلف، به سمت کسب منفعت و سود مورد انتظار از شبکه بانکی باشد که این روند باعث شده پایداری بیشتر در منابع و در نتیجه مدیریت بهتر بازارها و مدیریت انتظارات تورمی در اقتصاد و کاهش نرخ تورم را شاهد باشیم. امیدواریم این ثبات

عدم موفقیت برنامه‌های ضد تورمی و ارزی بانک مرکزی دخیل هستند؟

ابتدا باید در نظر داشت که همواره دو نوع شرایط وجود دارد. یکی شرایط نرمال و عادی و یکی هم شرایط غیرنرمال و تحریمی. بنابراین در شرایط عادی، دستگاه‌ها می‌توانند به صورت مستقل عمل کنند، چرا که اشتباه یک دستگاه تبعات زیادی برای کشور به همراه نخواهد داشت و قابل هضم و مدیریت است. اما در شرایط تحریمی کنونی که با تحریم‌های اساسی مواجه هستیم و نیازهای اساسی نیز برای کشور وجود دارد، اگر هر دستگاهی بخواهد مستقل و بدون توجه به مطالبات و شرایط سایر دستگاه‌ها، عمل کند، باعث می‌شود که اثر تحریم‌ها تشدید و شرایط اقتصادی سخت‌تر شود، لذا در شرایط تحریمی که وضعیت غیرعادی است، نیاز به تعامل دستگاه‌های دولتی بسیار زیاد است و دلایلش هم این است که هر تقاضای خارج از چهارچوب معمول، ممکن است تبعاتی برای اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. مثلاً فرض کنید بسیاری از دستگاه‌های دولتی و وزارتخانه‌ها، تقاضای افزایش حقوق و دستمزد دارند، خوب طبیعتاً اگر این تقاضاها با هماهنگی سازمان برنامه و بودجه کشور نباشد، ممکن است که باعث ایجاد نارضایتی شود و در نتیجه باید منابع کشور مدنظر قرار بگیرد و دستگاه‌های دولتی از تقاضای بی‌مورد جلوگیری کنند. در این شرایط که با محدودیت‌های ارزی مواجه هستیم، بانک مرکزی باید تخصص



بشر

عملکرد قابل قبول در مدیریت بر بازار پول و ارز

در بانک مرکزی طی ماه‌های اخیر در یک اقدام مثبت، جلساتی را با صرافان سراسر کشور داشته و سیاست‌های ارزی را برای صرافان روشن و تبیین کرده است. همچون بانک‌ها که از آنها خواسته شده تا در چهارچوب قوانین بانک مرکزی عمل کنند، از صرافان نیز که در بازار ارز حضور دارند، خواسته شده تا در چهارچوب قانون عمل و حرکت کنند و از ایجاد حباب و هیجان در بازار جلوگیری کنند، بنابراین معتمد این رویکرد مؤثر و مثبت بوده است. از سوی دیگر، بانک مرکزی در وصول و آزادسازی منابع ارزی بلوکه شده، فعال بوده و با دیپلماسی اقتصادی فعال از کره جنوبی و لوکزامبورگ و سایر کشورهای که ارزهای بلوکه شده وجود دارد، مطالبات و منابع ارزی را وصول کرده است. طبیعتاً این مسأله سبب می‌شود تا عرضه ارز در بازار بیشتر شود و از منظر روانی نیز در بازار اثر مثبت داشته است. در مجموع عملکرد بانک مرکزی در طول یک‌سال اخیر، هم در حوزه پولی و هم حوزه ارزی، قابل قبول بوده است.

ارز به نیازهای اساسی را داشته باشد و این تعامل بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها باید وجود داشته باشد تا از این شرایط غیرنرمال عبور کنیم و فضای نسبتاً ثبات اقتصادی داشته باشیم.

● برای تحقق پیش‌نیازهای کاهش نرخ تورم، شما چه توصیه و پیشنهادی به سیاست‌گذار پولی و ارزی دارید؟

نخستین مسأله‌ای که مهم است، توجه به این نکته است که هم در سطح بین‌المللی و هم در داخل، باید تنش‌زدایی صورت بگیرد. تنش‌زدایی مقدمه‌ای بر سیاست‌های درست در بخش پولی و ارزی است. به بیان دیگر وقتی در عرضه بین‌المللی یا در داخل تنش داشته باشیم، عملاً سیاست‌های پولی، ارزی و مالی، به هدف اصابت نمی‌کند. نکته بعدی که در حوزه کنترل تورم، اهمیت زیادی دارد این است که بانک‌ها باید مدیریت شوند، هر زمان که بانک‌ها خارج از چهارچوب قانونی بانک مرکزی، فعالیت کرده‌اند، عملاً تبعاتش را مردم پرداخت کرده‌اند. به خاطر اینکه بانک‌ها قدرت پمپاژ پول و اثرگذاری را ضریب تکاثری بالایی دارند، بنابراین کوچک‌ترین خطای بانک‌ها، تبدیل به بحران می‌شود. در نتیجه بانک‌ها باید توسط بانک مرکزی کنترل شوند و در عین حال، سازمان برنامه و بودجه به تقاضاهای مورد نیاز و ضروری کشور توجه کند تا با تخصیص بهینه منابع، ساماندهی مناسبی در فضای اقتصادی و بودجه‌ای کشور رقم بخورد.



● در پایان، پیشنهاد و توصیه شما به سیاست‌گذار پولی به منظور تلاش برای تحقق پیش‌نیازهای کاهش نرخ تورم به عنوان وظیفه اساسی بانک مرکزی چیست؟

مهم‌ترین شاخص در کنترل تورم در بلندمدت، مدیریت نقدینگی است که با توجه به سیاست‌هایی که شکل گرفته، توصیه می‌شود که این سیاست‌ها (سیاست کنترل ترانزنامه‌های بانک‌ها و سیاست تثبیت اقتصادی) تداوم پیدا کند. همچنین مهم‌ترین شاخص دیگر که باید به آن توجه داشت، کنترل و مدیریت نرخ ارز در اقتصاد است. برای این شاخص مهم، نه فقط بانک مرکزی، بلکه سایر دستگاه‌های اجرایی و تصمیم‌گیران کلان اقتصادی کشور هم باید در این راستا به بانک مرکزی کمک کنند تا کم‌ترین آثار منفی تحولات سیاسی در خارج از کشور روی متغیرهای داخل کشور اثر بگذارد؛ بنابراین هرچقدر این موضوع، کنترل و مدیریت بهتری شود، قطعاً اقتصاد با ثبات‌تر و با رشد بیشتر و در نتیجه با پیش‌بینی پذیری بهتر و مدیریت مناسب انتظارات تورمی را خواهیم داشت.

و هم راستایی ارکان مختلف تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در کشور، می‌تواند در دستیابی به اهداف بانک مرکزی در راستای هدف‌گذاری‌های پولی خود از جمله رشد نقدینگی و نرخ تورم به شدت تأثیرگذار باشد. اینکه بتوانند

با سیاست‌های بانک مرکزی در خصوص تصمیم‌گیری‌های پولی و ارزی، هم‌راستا باشند، به شدت می‌تواند به دستیابی بانک مرکزی به اهداف تعیین شده، کمک کند. از طرف دیگر، تحقیقات بسیاری نشان داده است که اعتبار سیاست‌گذار پولی، به شدت بر انتظارات تورمی تأثیر می‌گذارد و در نتیجه بر شکل‌گیری تورم مؤثر است. حال سؤال اینجاست که اعتبار سیاست‌گذار پولی از کجا شکل می‌گیرد؟ در پاسخ باید گفت که بر مبنای هم‌افزایی و هم‌صدایی تمام ارکان تصمیم‌گیری اقتصاد در یک کشور شکل می‌گیرد. اگر فعالان اقتصادی به این باور برسند که تصمیمات بانک مرکزی به طور جامع توسط ارکان مختلف اقتصاد هم مورد تأکید و هم راستایی است، قاعدتاً به اعتمادسازی بیشتر و به مدیریت بهتر تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت مطلوب انتظارات تورمی، کمک خواهد کرد. بالعکس این مسیر نیز قاعدتاً خواهد بود. یعنی اگر کارگزاران اقتصادی بدانند که ارکان مختلف اقتصادی هم‌راستا با تصمیمات بانک مرکزی نیستند، قطعاً هدف‌گذاری بانک مرکزی به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

● با توجه به اشاره‌ای که به ضرورت تثبیت نرخ ارز و ثبات بازار ارز داشتید، چقدر سیاست‌های اخیر ارزی بانک مرکزی و ثبات نسبی بازار ارز را در دستیابی به کنترل تورم و همچنین فروکش کردن انتظارات تورمی مؤثر می‌دانید؟

اگر عوامل مؤثر بر تورم را دسته‌بندی کنیم، یک سری عوامل همچون رشد نقدینگی به متغیرهای اسمی برمی‌گردد؛ عامل بعدی به نرخ ارز و تغییرات آن مربوط می‌شود و یک عامل دیگر هم به هزینه‌ها و کسری بودجه دولت برمی‌گردد و عامل بسیار مهم هم به انتظارات تورمی مربوط می‌شود. به بیان دقیق‌تر، خود انتظارات تورمی، شکل‌دهنده تورم کنونی خواهد بود. بانک مرکزی با مدیریت انتظارات تورمی توانسته است سهم قابل توجهی از مدیریت تورم را داشته باشد. ناگفته نماند که افت انتظارات تورمی، ناشی از مدیریت نرخ ارز بوده است. به بیان دیگر، ثبات نرخ ارز هم به طور مستقیم باعث کاهش تورم شده و هم با مدیریت انتظارات تورمی در آینده، باعث مدیریت تورم می‌شود.

● سایر بخش‌های اقتصادی کشور و وزارتخانه‌ها چقدر در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های ضد تورمی بانک مرکزی دخیل هستند؟

به نظرم سایر بخش‌های اقتصادی، به شدت در این مسأله تأثیرگذار هستند.

هم‌افزایی

